

The Structural and Semantic Role of "RAAYA" in the Holy **aaaaa a ie eee e hango or rr ogg Prrpppioss**

Mohsen Nilforoushzadeh¹, Mahdi Motia², Mohammadreza Hajismaili³

Ph.D. student in Theology - Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad
University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Associate professor of Department of Quranic Sciences and Hadith
(Traditions), Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants)
Studies, University of Isfahan, Isfahan. Iran

professor of Department of Quranic Sciences and Hadith (Traditions),
Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies,
University of Isfahan, Isfahan. Iran.

Abstract

One of the most important missions of the scriptures is to change and correct the thoughts and ideas of human beings. The Holy Qur'an, as the most comprehensive and complete revelatory text, in many of its divine teachings has criticized many wrong human thoughts and illusions. It has tried with various words, phrases, and theological and literary structures to change such false assumptions and break imaginary fantasies which over time and the years (for various reasons) contrary to the realities of the universe have been formed in the minds and have been the cause of cruelty and misery of human beings. Such structures and terms, while diverse, each has a specific mission and task to refine ideas. In this article, using the method of meaning recognition and structural and content analysis, the family of the conceptual word "RAAYA" has been reviewed and some results have been obtained, the most important of which is identifying the types of "Alam Tarr, Alam Yar, Aratiyat, Aratim, Awwala Yarun, Alam Tarwa, Hal Tari, and Lev Tari". In 98% of these verses, an attempt to change in thought is done by using indirect teaching in which 71% has been through using expressions by the Prophet of Islam (PBUH). The tone and type of dialect in this group of verses and the verses similar to them in 87% of cases is a critical and severely reprimanded dialect. It seems that the misguided and disobedient addressees of such verses, who are generally polytheists and infidels, insisted on their misconceptions and ignorantly followed the habits of their ancestors. Thus, the Holy Qur'an, with a threatening tone, seeks to be more influential and to create awareness in their minds. In general, the essence of the issues raised in such verses is very clear to people, does not require special and complex knowledge, and is understandable; however, although the truth is obvious, they have been misled and deluded.

Keywords: Holy Quran, change in thought, RAAYA, Structural Analysis.

نقش ساختاری و معنایی «رأی» در پندارشکنی‌های قرآن کریم

محسن نیل فروش زاده^۱، مهدی مطیع^{۲*}، محمدرضا حاجی اسماعیلی^۳

۱- دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی،

واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

nilfroush.md@yahoo.com

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.motia@ltr.ui.ac.ir

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.hajis1@yahoo.com

چکیده

پندارشکنی و تصحیح افکار و اندیشه انسان‌ها یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های کتب آسمانی است. قرآن کریم به‌عنوان جامع و کامل‌ترین متن وحیانی، در تعداد کثیری از آموزش‌های الهی خود، نسبت به بسیاری از اندیشه‌ها و توهم‌های غلط بشری انتقاد داشته و با واژه‌ها و عبارات و ساختارهای گوناگون کلامی و ادبی سعی در تغییر چنین گمان‌های باطل و گسست خیال‌های موهومی داشته که به‌مرور زمان و در طول سال‌ها (به دلایل مختلف) برخلاف حقایق جهان هستی، در ذهن‌ها شکل گرفته و عامل شقاوت و نگون‌بختی انسان‌ها شده است. این ساختارها و واژه‌ها در عین تنوع، هرکدام مأموریت و وظیفه‌ای خاص برای اصلاح اندیشه‌ها به عهده دارند. در این مقاله، با استفاده از روش شناخت معنا و تحلیل ساختاری، خانواده واژه پندارشکن «رأی» بررسی شد و نتایج به دست آمدند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: شناسایی گونه‌های «ألم تر و أ لم یر و رأیت و رأیتم و أولایرون و ألم تر و هل تری و کوتری» بوده که در ۹۸٪ این آیات، پندارشکنی با استفاده از آموزش غیرمستقیم انجام شده که در ۷۱٪ آنها از آموزش با واسطه بیانی پیامبر اسلام (ص) استفاده شده است. لحن و نوع گویش در این گروه از آیات و آیات هم‌سیاق آنها در ۸۷٪ موارد، گویش انتقادی و توییحی شدید است و به نظر می‌رسد مخاطب گمراه و معاند این آیات که عموماً مشرکان و کافران‌اند، در پندارهای سقیم خود و پیروی جاهلانه از عادات گذشتگان خود پافشاری کرده‌اند؛ از این رو، قرآن کریم با لحن تهدید درصدد تأثیرگذاری بیشتر و ایجاد تنبه در اذهان آنها است و در مجموع در این آیات، اصل موضوعات مطرح‌شده برای افراد، بسیار روشن و واضح بوده و به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز نبوده و درک‌پذیر است؛ اما با وجود بدیهی‌بودن حقیقت، گمراه و متوهم شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، پندارشکنی، رأی، تحلیل ساختاری.

طرح مسئله

پندار و پنداشت، حاصل فعالیت ذهن انسان در برخورد با مسائل و رویدادهای آن بوده است و از عوامل مختلفی از جمله محیط، آداب و رسوم، اخبار گذشتگان و غیره تأثیر می‌گیرد. این برداشت فکری می‌تواند در مسیر سعادت انسان، صحیح و اثربخش باشد یا اشتباه و مخرب و عامل ویرانگری فضایل بشری شود. در پهنه تربیت اسلامی، یکی از مباحث بااهمیت، پندارشکنی و مبارزه با توهمات غلط بشری است. این مفهوم به دنبال تصحیح باورهایی است که انسان‌ها به آن اعتقاد قوی داشته‌اند و بر پایه آنها زندگی خود را برنامه‌ریزی می‌کنند. به‌طور کلی در حوزه شناختی، اینگونه پندارها و باورهای بنیادین ناصحیح از دیدگاه فرد درباره خود، جهان اطراف و تعامل با دیگران تشکیل شده‌اند.

در قرآن کریم برای انتقال مفهوم پندارشکنی و تصحیح باورها از واژگان و گزاره‌های متعددی مانند «عِلْم» و «رَأَى» و «حَسِبَ» و «زَعِمَ» و «ظَنَّ» و ساختارهای ادبی متعدد و متنوع مانند «أین...» و «کلا...» و «أفمن... کمن» استفاده شده است. با بررسی این عبارات و واژگان و استمداد از مفاهیم شناخت معنا و تحلیل ساختاری و بررسی سیاق آیات و دیگر ابزارهای تحلیل متن، می‌توان محتوای این دسته از مفاهیم قرآنی را طبقه‌بندی و گونه‌های مختلفی را شناسایی کرد که مدلول آنها به دنبال تغییر و تصحیح افکار نادرست بشری بوده و به دنبال اصلاح رفتار و حسن سلوک است.

این مقاله به بررسی واژه «رَأَى» در آیات قرآن کریم از منظر تغییر اندیشه و پندارشکنی پرداخته، درصد پاسخ‌گویی به این سؤال است: انواع گزاره‌ها و

ساختارهای پندارشکن حاوی واژه «رَأَى» در قرآن کریم، دارای چه خصوصیتی از لحاظ نوع روش آموزش (مستقیم و غیرمستقیم) و لحن و نوع گویش و نیز محتوای آیات آن است؟ از این رو ساختارهای گوناگون این واژه، کاوش و با استفاده از ابزارهای مختلف شناخت مفاهیم و مضامین متن دسته‌بندی شده، ارتباط، همانندی و تمایز بین آنها بررسی می‌شود.

۱ پیشینه پژوهش

بررسی و تتبعات انجام شده نشان می‌دهد درباره این واژه تحقیق‌هایی صورت گرفته است؛ مانند مقاله «قالب‌های معنایی فعل "رَأَى" در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی "بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور" از فرزانه حاجی قاسمی و نصرالله شاملی، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۵ش. در آن برای فعل «رَأَى» متناسب با ترکیب‌های هم‌نشینی، قالب‌های معنایی مختلفی را حول معنای مرکزی (دیدن) برای ارائه ترجمه بهتر و گویاتر آیات قرآن کریم معرفی می‌کند و در مقاله «شبكة شعاعی معنای دیدن در خطبه‌های نهج البلاغه بر پایه معناشناسی شناختی قالبی "بررسی موردی فعل رأی با تکیه بر ترجمه‌های دشتی، جعفری و شهیدی"»، نصرالله شاملی و فرزانه حاجی قاسمی، پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۶ش، واژه «رَأَى» نیز از دیدگاه تحلیل واژگان و شبکه معنایی، بررسی و معانی مختلف این واژه در نهج البلاغه مانند فهمیدن، پنداشتن و معتقد بودن، معرفی و ترجمه‌های دشتی و جعفری و شهیدی از لحاظ استفاده صحیح از معانی مختلف این واژه در جایگاههای مختلف نقد شده است؛ ولی در این

ظاهر؛ ۲- دیدن با وهم و تخیل؛ ۳- دیدن با تفکر و اندیشه و ۴- دیدن و ادراک با عقل و خرد تقسیم می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۳).

«رأی» از افعال قلوب یقینی است؛ افعالی که قلبی و باطنی‌اند و بر علم قطعی، یقینی و جزمی دلالت می‌کنند و معنای یقین می‌دهند. با اعضا و جوارح سروکار ندارند؛ بلکه از باطن، فکر، اندیشه و قلب انسان صادر می‌شوند (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۴۱).

با توجه به ماهیت اصلی این واژه، در تعداد کثیری از ترکیب‌ها و ساختارهای به‌کاررفته آن در قرآن، مانند دیدن در معنی توجه به ظاهر در آیه «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صُغَّ اللَّهُ الْأَذَى أَتَقْنَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (النمل/۸۸) یا آگاهی دادن از بازخورد اعمال، کيفر و چگونگی آن در آیات (النحل/۸۵) و (ابراهیم/۴۹) و نیز در آیه (النساء/۶۱) با انتقاد از رفتار منافقان، وظیفه پندارشنکی و جلب توجه مخاطب از موضوعی موهوم به امری مهم و سرنوشت‌ساز را داراست و سعی در تصحیح اندیشه‌ها دارد؛ در ادامه به چند ساختار مهم آن اشاره می‌شود.

۳ بررسی ساختارهای پندارشنکی با محوریت واژه «رأی»

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های ساختارهای حاوی واژه «رأی»، پندارشنکی موهومات ذهنی مخاطبان قرآن کریم است؛ ازاین‌رو، آیات حاوی آنها با بیان واقعیت‌ها، باورها و عقاید صحیح در ابعاد گوناگون و انتقاد از پندارها و اعمال نامناسب و سقیم، بشریت را متذکر می‌کند، تا به این وسیله انسان‌ها راه صحیح زندگی را پیدا کنند و از حیرت و سرگردانی نجات

تحقیق، هدف از بررسی آیات حاوی واژه‌های هم‌میدان «رأی»، کشف گونه‌های مختلف پندارشنکی قرآنی در این دسته از آیات و بررسی و تحقیق و مقایسه بین آنها است که در این زمینه با جستجوی به‌عمل آمده و تتبع در آثار گذشتگان، مقاله‌ای مشاهده نشد.

۲ واژه‌شناسی «رأی»

آگاهی‌یافتن نسبت به ابعاد لغوی و اصطلاحی یک مفهوم در یک متن، از جمله مراحل تبیین موضوع است که عمدتاً ذیل عنوان واژه‌شناسی بررسی می‌شود. در حوزه معنا، بین مفاهیم و واژه‌های آیات قرآن کریم ارتباط معنایی خاصی برقرار است و غرض خداوند دانا از انزال این محتوای با ارزش که پیوستگی میان مفاد آیات آن به جملات منحصر نمی‌شود، بلکه میان واژگان آن نیز پیوندهای معنایی ویژه‌ای برقرار است، القای پیام ویژه‌ای برای تربیت و هدایت انسان‌هاست.

فعل «رأی» (از ریشه دیدن)، یکی از کلمات پرکاربرد در کلام وحی بوده و با ترکیب‌های گوناگون، ۳۲۸ مرتبه (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، صص ۲۸۰-۲۸۵) در آیات قرآن به کار رفته است. این واژه و مشتقات آن دارای گستره معنایی‌اند و علاوه بر دیدن بیرونی، بر دیدن درونی، مانند دانستن و فهمیدن نیز دلالت می‌کنند.

واژه «رأی» به معنی دیدن با چشم و نوع خاصی از دیدن همراه با اطمینان قلبی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۰۶) و راغب اصفهانی آن را به معنای دیدن و ادراک چیزی دیدنی و قابل دیدن معرفی می‌کند و انواع دیدن را با توجه به ویژگی‌های نفسانی و درونی انسان به چهار دسته ۱- دیدن و ادراک با حواس

یابند. در ادامه، این اسلوب‌های پندار شکن با محوریت واژه «رای» معرفی و تحلیل می‌شوند.

۳-۱ ساختار «ألم تر»:

اولین و پرکاربردترین کلمه تغییر افکار و پندار بشری از خانواده واژه «رای» لفظ «ألم تر» است. این شکل ادبی سی‌ویک مرتبه در آیات مختلف قرآن کریم (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۲) برای تأکید و گوشزد کردن و تصحیح بعضی از عقاید انسانی تکرار شده است. «تری» هنگامی که متعدی با حرف اضافه «الی» شود، به معنای نگاهی است که به دنبال آن فهم و علم و آگاهی باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۱).

الف) شکست پندار شرک و کفر: خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم انسان‌ها را به توحید و یگانه‌پرستی، دعوت و از کفر و شرک ورزیدن نهی می‌کند. در آیه «ألم تر إلی الذی حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِی رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّی أَلذی یحیی وَ یمیتُ قَالَ أَنَا أَحیی وَ أَمیتُ قَالَ إِبْرَاهیمُ فَإِنَّ اللَّهَ یَأْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَ اللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ» (البقره/۲۵۸).

ملاحظه می‌شود کلام وحی با طرح داستان گفتگوی حضرت ابراهیم(ع) با جبار زمان خود نمود، خواستار تصحیح پندار سقیم شرک و کفر به خدا و دعوت به توحید است. در این آیه، در ظاهر روی سخن با پیامبر اسلام(ص) بوده است؛ ولی به همه مخاطبان بشری می‌فرماید: اعتقاد به توحید و یگانگی و وحدانیت خداوند، مسئله‌ای پیچیده و دشواری نیست و به روشنی درک و فهم‌پذیر است و لزوم تغییر در اندیشه‌های منحرف و اصلاح آن را متذکر می‌شود

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۸).

در گروه دیگری از این آیات، علاوه بر استفهام تعجبی نسبت به پیامبر اکرم(ص) از تشبیه نیز بهره گرفته شده و از استشهاد به قدرت خداوند در راستای پندار شکنی استفاده شده است. «ألم تر» در آیه «ألم تر أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ یَشَأُ یذْهَبْکُمْ وَ یَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ» (ابراهیم/۱۹) به معنای «ألم تعلم» آیا ندانستی؟ است. رؤیت در اینجا به معنی علم بوده و در ظاهر خطاب به رسول اسلام(ص) می‌باشد (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۲۸۶)؛ ولی متوجه هر کسی است که آن را بخواند و بشنود؛ یعنی آیا نمی‌دانید که خداوند آسمان‌ها و زمین را از روی حکمت و غرض آفریده است و اگر اراده کند، شما را هلاک و نابود می‌کند و مردم دیگری به وجود می‌آورد و این کار برای خداوند دشوار نیست. در آیات (ابراهیم/۲۴) و (الحج/۱۸، ۶۳، ۶۵) و (النور/۴۱، ۴۳) و (الفرقان/۴۵) و (لقمان/۲۹، ۳۱) و (فاطر/۲۷) و (الزمر/۲۱) و (المجادله/۷) نیز سخن از یک انسجام کامل و نفوذ مشیت و اراده الهی و به نتیجه رسیدن آن است. در این آیات، از شهادت و تصدیق پیامبر اسلام(ص) به عنوان بزرگ شاهد جهان خلقت، در راستای ادعای آیه استفاده می‌شود و به پندار شکنی می‌پردازد.

ب) گسست پندار اجتناب از حق: از نظر قرآن کریم، مقابله با حق و کتمان حقایق، امری ناپسند و مذموم است؛ از این رو در تعدادی از آیات کلام وحی به این مسئله توجه خاص و ویژه‌ای شده است. در آیه «ألم تر إلی الذین أوتُوا نَصیباً مِنَ الْکِتَابِ یَدْعُونَ إلی کِتَابِ اللَّهِ لیُحْکَمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یتَوَلَّوْا قَرِیباً مِنْهُمْ وَ هُمْ مُّعْرِضُونَ» (آل عمران/۲۳) استفهام انکاری - تعجبی

به وضوح دست به تصحیح باورها می‌زند و توهّمات را درهم می‌شکند.

با تأمل در این روش پندارشکنی، چند نکته به دست می‌آید:

۱. این روش حاوی استفهام تعجبی خطاب در ظاهر به پیامبر اسلام (ص) است و تأکید دارد این موضوع کاملاً برایشان روشن و بدیهی است؛ ولی در حقیقت روی سخن با عموم مردم است. «أَلَمْ تَرَ» یک آموزش غیرمستقیم، در معانی ظاهری منفی آیا نمی‌دانی؟ چرا دقت نمی‌کنی؟ و در مفهوم باطنی قطعاً می‌دانید و خبر دارید، است. مانند آنکه مطلبی را به شخصی که آگاهی کامل دارد، با تأکیدی خاص گوشزد شود؛ برای اینکه شخص ثالثی که متوجه موضوع نیست، آگاه شود و در آن دقت کند. مقصود آیات قرآن در اینگونه خطاب‌ها عموم انسان‌ها هستند؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) معصوم بوده و روی حقیقی سخن با کسانی است که احتمال ارتکاب این افکار و اعمال از آنها وجود دارد (شریفی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۴)؛ از این رو، از حضرت صادق (ع) نقل شده است «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيَاكِ أَعْنِي وَاسْمِعِي يَا جَارَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۱).

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقدشان در یازده آیه مانند «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم/۲۴) و «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (الحج/۶۳) و (النور/۴۱) و (الفرقان/۴۵) و (البقره/۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۸) و (لقمان/۲۹، ۳۱) و (فاطر/۲۷) آرام و ملایم، همراه با لحنی مقتدرانه است؛ ولی در بیست آیه، آهنگ و مفهوم کلام، شدید و بعضی همراه با تحدید

بر فعل منفی وارد شده و نفی النفسی به معنای اثبات است؛ بنابراین، نفی عدم دیدن به معنای اثبات است؛ یعنی حال این یهودیان را دیده‌ای و برایت یقین شده است (ابوزهره، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۶۱). بزرگان و علمای یهود به واسطه معارف تورات از حقیقت نبوت حضرت محمد (ص) باخبر بودند؛ اما از آگاهی خود بهره نبرده بودند و به تکلیف خود عمل نمی‌کردند؛ بلکه تابع هوا و هوس و امیال نفسانی خود می‌شدند و نفع خویش را برمی‌گزیدند (کلباسی اصفهانی، ۱۳۹۱ش، ص ۸۳). در اینجا کلام وحی از ارجاع یهودیان به کتاب مقدسشان تورات (تا با استفاده از مطالب آن میان توهّمات غلط آنها و حقانیت فرمایشات پیامبر اسلام (ص) داوری شود) بهره می‌گیرد و از روشنی و آشکاری این داوری برای تغییر در افکار و توهّمات ذهنی قوم یهود استفاده می‌کند؛ ولی اعراض‌کنندگان با وجود آگاهی‌شان از پذیرش حق سرباز می‌زنند.

درواقع عبارت «أَلَمْ تَرَ» پندارشکنی غیرمستقیمی است که به مسلمانان می‌فهماند مفهومی که به اشتباه در اذهانشان رسوخ کرده، در تقابل آشکار با عقیده‌ای صحیح است که بسیار واضح بوده و برای همه درک‌شدنی است؛ اگر متوجه و اهل پذیرش حقایق باشند.

در اینگونه از آیات پندارشکنی و آیات مشابه (ابراهیم/۲۸) و (الشعراء/۲۲۵) (غافر/۶۹) و (المجادله/۸، ۱۴) و (الحشر/۱۱) و (الفجر/۶) و (الفیل/۱) کلام وحی با استفاده از استفهام تعجبی غیرمستقیم به منظور جلب نظر مخاطب، موجب تغییر در عقاید و پندارشکنی اندیشه‌های نادرست ایشان می‌شود، با بیان افکار انحرافی در آیات قبل یا بعد

است؛ مانند «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كَفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ* جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقُرْآنُ» (ابراهیم/۲۸، ۲۹) و (المجادله/۱۴، ۱۵) و (النساء/۴۴ تا ۷۷) و (آل عمران/۲۲، ۲۳) و (الشعراء/۲۱) و (الزمر/۲۱) و (الحج/۱۸) و (غافر/۶۹ تا ۷۲) و (الفجر/۶).

۳. در تعدادی از این آیات، از قدرت خداوند در خلقت جهان، در دسته‌ای دیگر، وقایع و داستان‌های تاریخی و در مواردی رخدادهای جاری (زمان نزول وحی) برای جلب توجه مخاطب، در راستای تغییر پندار نادرست استفاده شده است.

۴. در این قالب، سخن قرآنی موضوع بسیار روشن و واضح است، نیاز به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیست و برای عموم مردم درک‌شدنی است؛ به شرط آنکه پذیرای حقیقت و هوشیار باشند و خود را به غفلت نزنند.

۵. به نظر می‌رسد استفاده از فعل قلبی «تری» برای تأکید بر لزوم تغییر در اندیشه‌های ناصحیح راسخ در نهاد و نهان انسان بوده و عامل تحکیم و تثبیت پندار درست، در قلب و جان آدمی است.

۲-۳ ساختارهای «أَرَأَيْتُمْ» و «أَفَرَأَيْتُمْ» و «أَرَأَيْتَكُمْ» ساختار ادبی «أَرَأَيْتُمْ» در مجموع چهارده مرتبه و «أَفَرَأَيْتُمْ» نیز در هفت آیه و دو مورد نیز به شکل «أَرَأَيْتَكُمْ» در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۱). این عبارت‌ها شامل همزه استفهام، فعل ماضی از ریشه «رأی» و ضمیر متصل مخاطب بوده و از جمله مفاهیمی که از این ساختارهای هم‌میدان معنایی استنباط می‌شود، گسست پندارهای ناصحیح است.

شکست پندار فاعل بودن بت‌ها: یکی از انگیزه‌های بت‌پرستی مشرکان، استمداد از بت‌ها بوده است. آنها می‌پنداشتند این اصنام دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند به انسان‌ها یاری رسانند؛ از این رو، در تعدادی از آیات کلام وحی این پندار سقیم به شدت تکذیب شده است. در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ تَمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ» (الانعام/۴۶) واژه «قُلْ» نشان از ابلاغ فرمان الهی با واسطه پیامبر اسلام (ص) دارد تا مخاطبان متوجه شوند خداوند به صورت غیرمستقیم به کافران فرمان می‌دهد (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۲۸۲) که پیامبر به آنها بگو: اگر خداوند نعمت‌های گرانبه‌اش مانند گوش و چشم را از شما بگیرد و بر دل‌هایتان مهر زند، به طوری که نتوانید میان خوب و بد، حق و باطل تمیز دهید، چه کسی جز خدا می‌تواند این نعمت‌ها را به شما بازگرداند!

این نوع بیان را از انواع پندار شکنی می‌توان غیرمستقیم دانست؛ مانند وقتی که برای حفظ احترام و حرمت بین گوینده و شنوده، قصد مراعات فرد خاطی را دارد و برای نشان دادن عمق ناراحتی خود از رویدادی با روش تذکر دادن، با واسطه فرد ثالثی استفاده می‌شود که به فلانی بگو: اگر فلان رویه را ادامه دهد، بازخواست سختی می‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در این نوع گفت‌وشنود، در ضمن بیان چالشی و انتقال سنگین لحن اعتراض و انتقاد که با نوعی بی‌اعتنایی همراه بوده، سعی در حفظ حریم محور گفتگو با مخاطب است.

همچنین در آیات قبل و بعد از آن (الانعام/۴۰) و (الانعام/۴۷) «کم» در «أَرَأَيْتَكُمْ» صرفاً برای خطاب

کرده‌اید؟ (یونس/۵۰، ۵۹) و (القصص/۷۱، ۷۲) و (فاطر/۴۰) و (الزمر/۳۸) و (فصلت/۵۲) و (الاحقاف/۴، ۱۰) و (الملک/۲۸، ۳۰) و با بررسی «أَفْرَأَيْتُمْ» در سیاق آیات (الواقعه/۴۹ تا ۷۳) نیز خطاب با واسطه پیامبر اسلام (ص) است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۳۱).

چهار آیه با واژه «قال» آغاز می‌شود که در آنها نیز کلام وحی با استفاده از تکنیک انتقال پیام توسط شخص ثالث به صورت غیرمستقیم به اصلاح افکار و اندیشه‌های فاسد و منحرف می‌پردازد؛ مانند آیه (هود/۲۸) که از گفتگوی حضرت نوح (ع) با قومشان استفاده کرده، با نقل آن در پی رفع شک و شبه نسبت به مفهوم نبوت و تأیید و اثبات پندار رسالت است و آیه (هود/۶۳) گفتگوی حضرت صالح (ع) و آیه (هود/۸۸) مباحثه حضرت شعیب (ع) و آیه (الشعراء/۷۵) مذاکره حضرت ابراهیم (ع) با مردمان هم‌عصرشان، همگی پندارشکن با واسطه و غیرمستقیم به نظر می‌رسد و تنها در آیه «أَفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ» بعد از آنکه در آیات ابتدایی سوره نجم، راست‌گویی رسول خدا (ص) و حقانیت کلام آسمانی ایشان ثابت و مسجل می‌شود، با خطاب مستقیم، به پندارشکنی عقاید باطل مشرکان قریش می‌پردازد.

۲. آهنگ و لحن پندارشکنی این گروه از آیات و سیاقشان حاوی پرسش انتقادی و توبیخ شدید و کنایه‌ای است که به واسطه پیامبر اسلام (ص) یا دیگر رسولان الهی، سؤال و با یادآوری حقیقتی بسیار مهم همراه می‌شود که معمولاً با نهیبی آمیخته، ایجاد بیم و هراس می‌کند و فرد را وادار به تفکر درباره پرسش مطروحه می‌کند تا اینگونه در افکار و عقاید باطل مردمان تغییر ایجاد کند.

است و معنای اسم ندارد و به معنای «هل رأیتم» بوده و در مفهوم «اخبرونی» استفاده شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۰). در این عبارت‌ها همزه، استفهام تعجیبی همراه با نوعی تأسف و افسوس و «فاء» حرف عطف است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۸۶).

از این رو، کلام وحی با استفاده از تکنیک سؤال مثبت دارای جواب واضح، سعی در تغییر قالب فکری مخاطب دارد و می‌فرماید: ای پیامبر (ص)، به اینها بگو: آیا دانسته‌اید؟ آیا اندیشیده‌اید که اگر در دنیا عذاب خدا به سوی شما آید، یا قیامت فرارسد، چه کسی را خواهید خواند؟ و آن‌گاه با جمله «أَغِيرَ اللَّهُ تَدْعُونَ» خداوند آنها را محکوم کرده و فرموده است: آیا در آن هنگام خدایان خودتان را به یاری می‌خوانید؟ چنانکه در دنیا وقتی زینانی می‌بینید، به آنها متوسل می‌شوید یا تنها خدای یکتا را می‌خوانید؟ در ادامه، خداوند کافران را اندرز می‌دهد و آنان را از عذابی می‌ترساند که قادر به دفع آن نیستند؛ خواه این عذاب، ناگهانی و از جایی که آنان گمان ندارند بیاید، خواه آشکارا و از جایی که انتظار و آمادگی‌اش را دارند. خداوند آنها را اندرز می‌دهد و تهدید می‌کند تا شاید پیش از آمدن عذاب، از آن بترسند و به هدایت راه یابند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۳۰).

ویژگی‌های این روش پندارشکن عبارت‌اند از:

۱. یازده آیه از آیات حاوی «أَرَأَيْتُمْ» و دو آیه «أَرَأَيْتُمْ» با واژه «قُل» همراه شده است. همان‌گونه که اشاره شد خداوند با واسطه قرار دادن شخص رسول اکرم (ص) به صورت گفتگوی غیرمستقیم با منکران ارتباط برقرار کرده است؛ مانند: ای محمد (ص)، به این کافران و منکران بگو: آیا دانسته‌اید؟ آیا اندیشه و تفکر

مانند «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ» (الانعام/۴۶) و «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَوْ لَئِنْ تَسْمَعُونَ» (القصص/۷۱) و (فصلت/۵۲) و (الانعام/۴۰، ۴۷) و (يونس/۵۰، ۵۹) و (الملک/۲۸) و (القصص/۷۲) و (فاطر/۴۰) و (الزمر/۳۸) و (الاحقاف/۴، ۱۰) و (الملک/۳۰) و (الواقعه/۵۸ تا ۷۳) و (هود/۲۸، ۶۳، ۸۸) و (الشعراء/۷۵).

۳. محتوای این دسته از آیات، تکذیب باورها و پندارهای انحرافی کافران و مشرکان درباره خداوند و رسولان الهی است. بررسی این مفاهیم و حیانی نشان می‌دهد اختلاف میان پیامبران و مشرکان بیشتر درباره شرک به خدا و حقیقت وجود قیامت بوده است که بسیاری از آیات به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این دو اصل ارتباط دارند. مشرکان برای توجیه عمل مشرکانه خود به عادت‌های پدران و نیاکانشان استدلال می‌کردند و برای منکرشدن قیامت هم به زنده‌نشدن مردگان استدلال می‌کردند؛ بنابراین، خداوند دلیل رد سخن آنان را به پیامبرش گوشزد می‌کند و مخاطبان پیامبران را به عذاب دنیوی و اخروی هشدار می‌دهد.

محتوای این گروه از آیات شامل موارد زیر است: الف) در آیات (الانعام/۴۶) و (یونس/۵۹) و (القصص/۷۱، ۷۲) و (فاطر/۴۰) و (الزمر/۳۸) و (الاحقاف/۴)، (النجم/۱۹) و (الواقعه/۵۸، ۶۳، ۶۸، ۷۱) و (الملک/۳۰) خدا می‌خواهد به منحرمان تذکر دهد معبودهای مورد پرستش آنها نه می‌توانند ضرری از ایشان دفع کنند و نه می‌توانند منفعتی را برایشان جلب کنند. تنها اراده اصلی و تأثیرگذار حقیقی در جهان، فقط اراده خداست. آیا چیزی در زمین هست که

ساختار آن نشان‌دهنده تعدد سازنده و وجود هم‌تا برای خدا باشد! و از این اصنام که معتقدید شریک خدا هستند و از آنها به لفظ الهه تعبیر می‌کنید، آیا قادرند چیزی را خلاف اراده و تدبیر خداوند خلق کنند؟ خواهند گفت: نه! آیا تأثیر اسباب و علل مادی و معنوی از خود آنها است یا از خدا است؟ اسباب و عواملی که این اسباب را پدید می‌آورند، هم خودشان و هم اثرشان آفریده خدا هستند و مبدأ تمامی اثرها و مؤثرها به خدا منتهی می‌شود.

ب) در آیات (هود/۲۸، ۶۳، ۸۸) و (الشعراء/۷۵) سخن از اعتباربخشی به دعوت پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان کسی است که انسان‌ها را به سوی خدا و سعادت ابدی می‌خواند و بر حقیقت و صدق دعوت پیامبران الهی گذشته و انتخاب ایشان برای رسانیدن پیام خدا به بشریت تأکید دارد و در آیات (فصلت/۵۲) و (الاحقاف/۱۰) کلام وحی برای اثبات رسالت پیامبر (ص) و تصحیح افکار و عقاید مخالفان و معارضان الهی دستور می‌دهد. به آنان بگو: آیا می‌پندارید که قرآن افسانه است! اگر قرآن حق و از سوی خدا باشد، در آن صورت، چه وضعیت و سرنوشتی خواهید داشت؛ در حالی که شما بدون دلیل و از روی نادانی با آن مخالفت می‌کنید؛ و اظهار می‌دارد قرآن، کلامی الهی است و همانند دیگر کتب آسمانی، مؤید و تأییدکننده راستی و درستی دعوت پیامبر اسلام (ص) است.

ج) در آیات (الانعام/۴۰، ۴۷) و (یونس/۵۰) و (الملک/۲۸) خداوند کافران و معاندان را اندرز می‌دهد و آنان را از عذابی می‌ترساند که به دفع آن قادر نیستند و به آنها به واسطه پیامبر (ص) نهیب می‌زند به کدامین عذاب شتاب می‌کنید؟ آیا به عذاب دنیا شتاب می‌کنید

جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (الانبیاء/۳۰) «أَوْلَمْ يَرَ» که در قرائت ابن کثیر بدون «واو» به صورت «الم يَرَ» آمده (ابن خالویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱)، به معنای «أَوْلَمْ يَعْلَمُوا» استفهامی برای نکوهش و ملامت و سرزنش کافران است (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۴۲۴)؛ یعنی آیا اینها نمی‌دانند خداوند کارهایی می‌کند که دیگران توانایی انجام آن را ندارند! در اینجا کلام وحی با استفاده از تکنیک سؤال منفی در فعل منفی که مفهوم آن دارای معنی مثبتی است (آیا نمی‌بینند؟ آیا نمی‌دانند؟ که حتماً می‌بینند و درک می‌کنند و می‌دانند) به دنبال ایجاد تکانه‌ای فکری و اعتقادی در بین منکران خداوند است. دیدن در اینجا اندیشه و فکر کردن با دقت و تأملی ژرف در خلقتی مانند آب است که به ظاهر بسیار ساده، آسان و بدیهی به نظر می‌رسد؛ ولی ویژگی‌های منحصر به فرد آن از وجود قدرتی نشان دارد که تکذیب‌کنندگان از آن، غافل یا خود را به غفلت زده‌اند؛ از این رو، قرآن در این آیه و چند آیه بعد، با بیان تعدادی از نعمت‌های خداوند که در اختیار انسان قرار دارد و با استفاده از روش استفهام انکاری به پندارشنکی غیرمستقیم برای تصحیح افکار ناصحیح بشری پرداخته‌اند و مصمم به اصلاح آنها هستند.

ب) شکست پندار توانایی مقابله با اراده خداوند: یکی از مفاهیم تأکیدشده کلام وحی ناتوانی انسان‌ها در مقابله و رویارویی با اراده و خواست خداوند است. در آیه «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمْكِنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (الانعام/۶) سخن از عذاب اقوام گذشته است که

یا به عذاب آخرت؟ آیا کسی می‌تواند از مشیت الهی، قیامت و عذاب و عقاب آن فرار کند؟ در آن جایگاه از چه کسی یاری می‌طلبید؟ آیا جز خدا معبودی از بت‌های شما هست که به داد شما برسد؟ و بیان می‌کند کافران در قیامت از آنچه شریک خدا قرار داده بودند، بیزاری می‌جویند و به او پناه می‌برند.

۳-۳ ساختارهای «أَلَمْ يَرَ» و «أَلَمْ يَرَوْا» و «أَلَمْ يَرَوْا» و «أَلَمْ يَرَوْا»

ترکیب قرآنی «أَلَمْ يَرَ» که در دو آیه (الانبیاء/۳۰) و (یس/۷۷) استفاده شده است، در بیشتر مواقع به شکل جمع غایب و با ساختارهای «أَلَمْ يَرَوْا» (پنج مرتبه) و «أَلَمْ يَرَوْا» (دوازده دفعه) و «أَلَمْ يَرَوْا» (یکبار) دیده می‌شود. تفاوت این کلمات و حیانی که در مجموع بیست مرتبه به کار رفته‌اند (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۴)، در ترکیب ظاهری وجود «واو» و «فا» است. به دلیل وجود همزه استفهام که صدارت طلب بوده، «واو» و «فا» بعد از همزه آمده است. به نظر می‌رسد این حروف، با توجه به سیاق آیات و مفاهیم آنها عطف باشند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۵، ص ۲۷)؛ از این رو، همگی از دیدگاه معنایی، هم‌ارز و مشابه بوده‌اند و قرآن کریم به وسیله این ساختارهای ادبی زیرمجموعه واژه «رأی»، درصدد پندارشنکی گروهی از باورها و اندیشه‌های ناسالم انسان‌ها است.

الف) تأکید بر قدرت خداوند: قدرت، یکی از صفات الهی است. قدرت خداوند بی‌نظیر و منحصر به فرد است؛ بنابراین، قرآن کریم با یادآوری جلوه‌هایی از توانایی پروردگار عالم، درصدد گسست پندار خداستیزی کافران است. در آیه «أَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ

۲. از ویژگی‌های این روش شکننده توهّمات، لحن توبیخی و تنبیهی گاهی شدید آنها و آیات قبل و بعدشان است. این پندارشکنی در بیشتر موارد بین یک سیاق مذمتی سخت قرار داشته است و نشان از شدت کلام قرآن در این قالب گسست تأملات بشری دارد.

الف) سخن از غضب و اقتدار و سلطه اراده الهی در آیات «سَيَأْتِيَهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (الاعراف/۱۵۲) و (الانبیاء/۲۹) و (الرعد/۴۱) و (العنکبوت/۲۱ و ۶۶) و (الروم/۳۷).

ب) اشاره به عذاب و هلاکت کافران در آیات «فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ» (الانعام/۶) و (السجده/۲۶) و (سبأ/۹) و (الاسراء/۹۷) و (النمل/۸۷) و (یس/۳۱ و ۷۰) و (فصلت/۱۶) و (احقاف/۳۴) و (ملک/۱۸).

۳. استفاده از دانسته‌های عموم مردم برای توجه به عظمت و قدرت خدا از ویژگی مشترک این دسته از آیات است:

الف) اشاره به قدرت خدا با دقت در خلقت جهان و قوانین آن (النحل/۴۸، ۷۹) و (الشعراء/۷) و (الانبیاء/۳۰) و (النمل/۸۶) و (السجده/۲۷) و (سبأ/۹) و (یس/۷۱، ۷۷) و (الاحقاف/۳۳) و (الملک/۱۹).

ب) روشن‌بودن قانون عمومی زوال و نابودی حیات که درباره انسان‌ها، حیوانات، طبیعت و کل جوامع بشری کوچک و بزرگ، جاری و ساری است (الرعد/۴۱) و (الاسراء/۹۹) و (العنکبوت/۱۹) و (فصلت/۱۵).

ج) آگاهی از سرنوشت گذشتگان (یس/۳۱) مانند داستان گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی (ع) که یهود زمان نزول وحی از آن خبر داشتند (الاعراف/۱۴۸).

باوجود داشتن امکانات زیاد نتوانستند در مقابل عذاب الهی مقاومت کنند و همگی نابود شدند. در اینجا پندارشکنی همراه با توبیخ است و مخاطب آن کسانی‌اند که به رسول خدا(ص) ایمان نمی‌آورند و حق را کتمان می‌کنند. کلام وحی با استفاده از اطلاعات مردم نسبت به گذشتگان، مانند قوم عاد و ثمود و امثال ایشان، قصد در تغییر اندیشه و توهّم‌های ذهنی آنها و تثبیت افکار صحیح دارد؛ زیرا عموم معاندان قرآن آثار برجامانده از این اقوام را مشاهده و نشانه‌های باقی‌مانده از عذاب ایشان را دیده یا شنیده بودند و می‌دانستند خداوند بدان سبب آنان را در معرض رنج و تعب قرار داد که پیرو افکار بی‌اساس خویش بودند و حق را تکذیب کرده بودند. حقی که خدا بر پیامبران خود نازل کرده بود؛ بنابراین، این آیه تکذیب‌کنندگان حضرت محمد(ص) که آن اقتدار و بزرگی را نداشتند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۵۲) انذار می‌دهد تا از نابودی نسل‌های گذشته که پادشاهی و قدرت سترگ و عظیمی داشتند، پند گیرند و دست از عناد بردارند.

با دقت در این روش پندارشکنی، چند نکته به دست می‌آید:

۱. این ساختار حاوی استفهام تقریری به همراه ملامت، خطاب به کافران و منکران یگانگی خدا و تکذیب‌کنندگان پیامبران الهی است. «أَلَمْ يَرَوْا» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از سخن گفتن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، با عموم مردمی گفتگو می‌کند که از حق و حقیقت روی برتافته‌اند، بر نادانی و گمراهی خود تعصب داشته‌اند و باوجود ادله و حقایق روشن به فرستادگان الهی ایمان نمی‌آورند.

در این آیه، استفهام تعجبی «أرأیت» با سؤال از پیامبر اکرم (ص) ذهن مخاطب را برای دریافت مشهود و نازک‌اندیشی آماده می‌کند و اندیشه‌اش را برمی‌انگیزد تا از تصور ناصواب کفار که ثروت و فرزندان زیاد خود را از برکت بت‌پرستی و اعتقاد به اله بودن بت‌ها می‌دانستند و فکر می‌کردند ادامه بت‌پرستی در آینده هم برای آنان دارای چنین برکاتی خواهد بود، پرده بردارد و بطلان این اندیشه خطا را گوشزد کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۱۰۳).

ب) شکست پندار هواپرستی: از دیگر مباحث با اهمیت ارائه شده در قرآن کریم، کنترل و مقابله با خواسته‌های نامشروع هوای نفس و امیال آن است. در آیه «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (الجنابیه/۲۳) با استفاده از عبارت «أَفَرَأَيْتَ» که برای ایجاد حالت حیرت و تعجب در شنونده به کار می‌رود، به رسول اسلام (ص) می‌فرماید: آیا از کسی که حالش چنین است تعجب نکردی؟ تا به این وسیله به عموم مردم متذکر شود، آیا از کسی که از هوای نفس خود پیروی می‌کند، در حالی که باید از خداوند اطاعت کند، تعجب نمی‌کنید؟ قریشیان بت عزی را می‌پرستیدند و دیگر اعراب در مرحله اول، سنگ و طلا و نقره را پرستش می‌کردند و اگر چیزی بهتر می‌یافتند، به عبادت و پرستش آن می‌پرداختند؛ از این رو، دینشان فرمان از نفسشان می‌گرفت و غیر از منافع خود، هیچ چیزی برای آنها مهم نبود؛ بنابراین، این آیه درباره هواپرستی و خودخواهی آنها نازل شد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۶۲) و قرآن با استفاده از تکنیک سؤال کنایه‌ای، همراه با لحن انتقادی تند، به صورت غیرمستقیم مترصد

(د) تفاوت سطح امکانات انسان‌ها (الروم/۳۷).

(ه) امنیت نسبی (العنکبوت/۶۷).

۴. ادراک این قالب پندارشکن نیز بسیار روشن و واضح است و نیاز به داشتن اطلاعات خاص و پیچیده‌ای نیست. برای عموم انسان‌ها قابل درک و فهم است؛ مشروط بر اینکه هوشیار باشند، حقایق و حیانی را بپذیرند و خود را به غفلت نزنند.

۳-۴ ساختارهای «أرأیت» و «أفرأیت»

فعل استفهامی «أرأیت» (شش مرتبه) و «أفرأیت» (چهار مرتبه) برای اعجاب و برانگیختن مخاطب است تا در موضوع مدنظر به چهره باطنی و نامحسوس آن دقت کافی شود (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۲۷۲). این کلمه یکی از ساختارهای پندارشکن، خطاب به پیامبر اسلام (ص) است که با بیانی همراه با تعجب در معنای «أخبرنی» در ده آیه (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۰) به صورت غیرمستقیم درصدد بطلان دسته‌ای از افکار و تصورات باطل انسان‌ها بوده و به دنبال ایجاد حالت شگفت‌زدگی برای شنونده است و می‌فرماید: آیا تعجب نکردی، از کسی که حالش چنین وضعیتی دارد؟

الف) شکست پندار کفر: یکی از مفاهیم بنیادین و اساسی آموزش‌های وحیانی، کفرستیزی و مقابله با این اعتقاد سقیم است؛ از این رو در آیه «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا * أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم/۷۸، ۷۸) عبارت «أفرأیت» به معنی به من بگو و خبرده، با لحنی حیرت‌انگیز، خطاب به پیامبر اسلام (ص) اعتقاد باطلی را معرفی می‌کند و در ادامه با استفاده از استفهام انکاری به رد آن می‌پردازد.

تغییر در روش فکری و اعتقادی و رفتاری کجروان بدآیین است.

با توجه به این روش پندار شکنی، نکاتی به دست می‌آید:

۱. این ترکیب استفهامی تعجبی و پندار شکن با گفتگو و جلب توجه پیامبر اسلام (ص)، در صدد ایجاد بستری مناسب برای فهم مطلب برای عموم انسان‌ها است؛ بنابراین، «أرأیتَ و أفرأیتَ» نیز مانند «ألم تر» آموزش غیرمستقیم است و این دسته از آیات، با واسطه رسول اسلام (ص) افراد منحرف و گمراه را به صورت غیرمستقیم، متذکر و با عقاید ناصحیح ایشان برخورد می‌کند.

۲. با توجه به بیان خاص این آیات، ابتدا قرآن در موضوعی از رسول خدا (ص) سؤال می‌کند و در ادامه، خود به آن پاسخ می‌دهد و این نوع گفتگوی غیرمستقیم برای مردم عصر نزول درک‌شدنی و فهم‌پذیر بود و لحن پندار شکنی این دسته از آیات و سیاقشان، بیشتر به شکل سؤال کنایه‌ای و بعضاً تند و شکننده است؛ مانند پاسخ کنایه‌ای در آیات «أفرأیتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا* أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم/۷۸) و (النجم/۳۳) و کنایه همراه با تندی لحن در آیات «أَمْ تَحْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (الفرقان/۴۴) و (الجاثیه/۲۳) و وعده عذاب در آیات «ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ» (الشعراء/۲۰۶) و (العلق/۱۵ تا ۱۸).

۳. این فرم تغییر پندار، ابتدا با سؤالی از پیامبر اسلام (ص) طرح مسئله می‌کند که از فلان موضوع خبر بده یا خبر داری؟ اندیشه ناصحیح که فرد یا گروهی منتشر کرده‌اند، به صورت ویژه، مطرح و سپس

بطلان آن نظریه و تصور را گوشزد می‌کند؛ بنابراین، این روش تکذیب توهم‌های ذهنی، مبتنی بر اتفاق و رویدادی است که مسلمانان معاصر نزول قرآن کریم از آن اطلاع داشته‌اند و مفاهیم مطرح‌شده به روشنی برای آنها درک‌شدنی بوده است؛ مانند اعتقاد عاص بن وائل به وسعت روزی در دنیا و آخرت در پناه بت‌پرستی که در شأن نزول آیه (مریم/۷۷) آمده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۵۶۲) یا مطابق آنچه در تفسیر قمی ذیل آیه (الفرقان/۴۳) آمده، درباره قریش نازل شده است؛ زمانی که امر معیشت بر آنها سخت شد، از مکه، خارج و به اطراف پراکنده شدند. هر کس سنگی زیبا یا کلوخی در سر راه خود می‌یافت، به فال نیک می‌گرفت و بر آن سجده و قربانی می‌کرد و هر وقت خود یا احشام آنها دچار بلایی می‌شدند، با سنگ‌های مزبور، خود و چهارپایان را مسح و تبرک می‌کردند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۱۴) و نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) در خواب دیدند بنی‌امیه بعد از ایشان بر منبر او بالا می‌روند و مردم را به گمراهی سوق می‌دهند. از خواب که بیدار شدند، در حالتی محزون و غمگین، آیات (الشعراء/۲۰۵، ۲۰۶) نازل شدند (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸۴) و ذیل آیه (النجم/۳۳، ۳۴) شیخ طوسی گوید: این آیه درباره ولید بن مغیره نازل شد که مال اندکی می‌بخشید؛ برای اینکه عذاب آخرت از او برداشته شود و از آنچه می‌بایست اتفاق کند، امتناع می‌کرد (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۳۴) و در شأن نزول آیات (العلق/۹ تا ۱۳) آمده است: روزی ابوجهل به قریش گفت: آیا محمد را دیده‌اید که نماز می‌خواند و صورت به خاک می‌نهد و شما را رها می‌کند؟ گفتند: بلی، گفت: سوگند به لات و عزی اگر ببینم او نماز

برای خداست و ای کاش در می‌یافتند عذاب خداوند چقدر شدید است؛ بنابراین، برای بت‌ها و خدایان خود توان و اراده تصور نمی‌کردند و اگر حرف «لَو» شرطیه باشد، یعنی اگر مشرکان و ستمگران که بر خود ستم کرده‌اند، از شدت عذاب روز قیامت آگاهی می‌یافتند و می‌دانستند در روز قیامت، هنگامی که عذاب الهی دامگیرشان می‌شود، هیچ‌کس غیر از خداوند سلطه و توانایی ندارد، یقین پیدا می‌کردند تنها خداوند به امور آخرت می‌پردازد و آنچه خدایان خود می‌پنداشتند، هیچ‌توان و اراده‌ای ندارند؛ بنابراین، به گمراهی خویش پی می‌بردند و پشیمان و اندوهگین می‌شدند.

در آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (الانعام/۲۷) خطاب به رسول خدا (ص) است و جواب «لَو» محذوف بوده و در قرآن کریم، هرگاه جواب «لَو» حذف شده، به منظور تعظیم و مهم‌شمردن موضوع است و تقدیر آن «لرأیت امرًا عظیمًا» است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۵۰۸)؛ یعنی اگر حال آنها را در آن هنگام که در برابر آتش ایستاده‌اند یا در حال داخل شدن به آن‌اند، ببینی، این برای تو بسیار عظیم و دردناک خواهد بود و به حالشان تأسف خواهی خورد. در اینجا کلام وحی با بهره‌گیری از روش شاهدگرفتن، برای تأیید موضوعی یا بیان عظمت رویدادی با استفاده از نشان‌دادن عکس‌العمل فردی ویژه و ممتاز به دنبال ایجاد زمینه پذیرش در مخاطبان خود است؛ بنابراین، با خطاب قرار دادن شخص پیامبر اسلام (ص) و بیان شگفتی ایشان (به شکل محذوف) در مقابل آنچه در قیامت برای مشرکان اتفاق خواهد افتاد، به صورت غیرمستقیم به همه مردم به ویژه کافران و

می‌خواند، پای در گردنش می‌گذارم و او را هلاک می‌کنم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۸۲) و بعضی نزول آیات (الماعون/۱ تا ۳) را درباره عاص بن وائل السهمی دانسته‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۵۶۷) و بعضی دیگر درباره ابوجهل و کفار قریش عنوان کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۴۴).

۳-۵ ساختارهای «لَو تَرَىٰ» و «لَو يَرَىٰ»

عبارت «لَو تَرَىٰ» هفت مرتبه و «لَو يَرَىٰ» یکبار در آیات قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۳). در تمامی این آیات، سخن از هشدار است به مشرکان و معاندان که اگر تغییر رویه در اعتقادات و رفتار خود ندهند، خود را در معرض عذابی سخت و شدید قرار می‌دهند که نتیجه اعمالشان است.

در آیه «وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (البقره/۱۶۵) اگر «لَو يَرَىٰ» باشد، خطاب غیرمستقیم به مشرکان است و اگر طبق قرائت نافع و ابن‌عامر و یعقوب «لَو تَرَىٰ» باشد، خطاب با پیامبر اسلام (ص) است و غیرمستقیم به عموم مردم در امری مهم تذکر و هشدار می‌دهد (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۰). اگر حرف «لَو» برای آرزو (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۲۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۳) و حرف «اذ» برای فعل «یری» مفعول باشد، «وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» به معنی دانستن و درک‌کردن است و منظور، دیدن با چشم نیست (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۶۳) و آیه اینگونه معنی می‌شود: ای کاش این مشرکین در همین دنیا روزی را که در آن عذاب می‌بینند، می‌دیدند (درک می‌کردند)! اگر چنین چیزی ممکن بود، می‌فهمیدند که منشأ و مبدأ همه اراده‌ها و توانایی‌ها

معاندان تذکر با لحن شدید می‌دهد و با بیان عاقبت انکار و اصرارشان بر کفر و شرک و سرانجام اعراض آنها از دستورات الهی، درصدد شکست پندار سقیم مشرکان است.

با بررسی این گروه از آیات مواردی درک‌شدنی است:

۱. در این ترکیب، خطاب قرآن کریم به پیامبر اسلام (ص) است؛ ولی درحقیقت با عموم مردم سخن گفته و «لَوْ تَرَى» یک آموزش غیرمستقیم است؛ مانند آنکه برای شخص خاص و مهمی در موضوعی ایجاد شگفتی و حیرت شود و در ادامه، با بیان آن حالت، بدون اشاره مستقیم به افراد خاطی و گناهکار، هشدار و تذکر شدید داده شود (بدون آنکه آن فرد خاص و برگزیده، اشتباه و لغزشی داشته باشد) و درصدد متنبه‌شدن مشرکان و کافران و به تبع آن، اصلاح عقاید و اعمال آنها برآید. «لَوْ يَرَى» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از سخن گفتن از شدت عذاب الهی کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، با تمام انسان‌ها گفتگو می‌کند و هشدار صریح و شدید می‌دهد که اگر همان‌گونه که مجرمان رفتار کردند، عمل کنید، شما نیز به عاقبت آنها گرفتار خواهید شد؛ بنابراین، در پندارهای ناسالم و معیوب خود تغییر دهید و عقاید صحیح را جایگزین کنید.

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقدشان، در هر دو صورت معنایی، «لَوْ» تمنایی و شرطیه، بسیار تند و حاوی هشدار شدید است.

الف) اشاره به سختی مرگ کافران: «وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبَارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (الانفال/۵۰) و

(الانعام/۹۳).

ب) عقوبت قیامت مجرمان: «إِذْ وَفَّوْا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَ رَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (الانعام/۳۰) و (السجده/۱۲) و (سبأ/۳۱) و (سبأ/۵۱).

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل موارد زیر است:

برخورد با شرک و انتقاد صریح از ابراز محبت به معبودان غیر الهی و پرستش آنان (البقره/۱۶۵) و عواقب بی‌توجهی و اعتقاد به آموزش‌های وحیانی (الانعام/۲۶، ۲۷) و (سبأ/۳۱، ۵۰، ۵۱) و تکذیب کردن ادعای دروغین رابطه با وحی (الانعام/۹۳) و نکوهش کردن بی‌اعتقادی به حیات پس از مرگ و تأکید بازگشت به سوی پروردگار عالم و بازخورد اعمال را در قیامت تصریح می‌کند (الانعام/۲۹، ۳۰) و (السجده/۱۱، ۱۲) و (الانفال/۵۰، ۵۱).

۳-۶ ساختارهای «أَوْ لَا يَرَوْنَ» و «أَفَلَا يَرَوْنَ»

عبارت «أَوْ لَا يَرَوْنَ» که عموماً آن را با «بَاء» خوانده‌اند و عده‌ای مانند حمزه و يعقوب «أَوْ لَا تَرَوْنَ» به صیغه مخاطب قرائت کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۰)، تنها یکبار و «أَفَلَا يَرَوْنَ» دو مرتبه در کلام وحی به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۴). این ترکیب شامل «واو» و «فاء» عطف واردشده بر همزه استفهام بوده و به همراه «لا» نفی، پرسشی تقریری و انکاری است که به منظور سرزنش و ملامت یا تنبه و تذکر استفاده شده است.

الف) نفی شرک: قرآن کریم در مقام مبارزه با شرک و بت‌پرستی، ضعف و عجز بت‌ها را گوشزد می‌کند و پندارها و اندیشه‌های مشرکانه و ناصحیح

منافقان است تا به سبب دقت و مراقبت، خود را از عوارض نفاق و تبعات آن محفوظ دارند و از مسیر حق منحرف نشوند.

بررسی این سه آیه نشان می‌دهد:

۱. در «أولا یروُنَ» و «أفلا یروُنَ» قرآن با استفاده از تکنیک سخن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، به منافقان و مشرکان و همه انسان‌ها آموزش غیرمستقیم می‌دهد و اینگونه درصدد متنبه‌شدن مشرکان و کافران و اصلاح عقاید و اعمال آنها بر می‌آید. اگر به صورت «أ و لا تروُنَ» تلاوت شود، به عموم مردم هشدار صریح و شدید می‌دهد که در رفتار منافقان و بیماردلان تأمل کنند تا به عاقبت آنها گرفتار نشوند و در پندارهای ناسالم خود تغییر دهند و عقاید صحیح را جایگزین کنند.

۲. لحن و آهنگ پندارشنکی در آیات (التوبه/۱۲۶) و (الانبیاء/۴۴) و (طه/۸۹) و سیاق همراه آنها انتقادی و کنایه‌ای همراه با ادبیات گفتاری شدید است.

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل:

الف) تقیح و تکذیب شرک و پرستش معبودان غیر الهی (الانبیاء/۴۴) و (طه/۸۹).

ب) تعذیب و توبیخ منافقان و مسلمانان بیمار دل (التوبه/۱۲۶).

۳-۷ ساختار «ألم تروا»

این عبارت که دو بار در کلام وحی به کار رفته (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۳)، یکی دیگر از انواع کلمات پندارشنکی از ریشه «رأی» بوده که شامل همزه استفهام و «لم تروا» فعل مضارع جمع مخاطب، مجزوم به حذف «نون» است. همان‌گونه که در آیه «ألم تروا»

انسان‌ها را به چالش می‌کشد و پندارشنکی می‌کند. در آیه «بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا یروُنَ أَنَّا نَأْتِی الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ» (الانبیاء/۴۴) عبارت «أفلا یروُنَ» به معنی آیا نمی‌فهمند؟ آیا باور نمی‌کنند؟ و خطاب غیرمستقیم به مشرکان است. آیا اینان که به بت‌ها پناه می‌برند، نمی‌فهمند اقوام و قبائل، یکی بعد از دیگری می‌آیند و می‌روند، افراد کوچک و بزرگ هیچ‌کدام عمر جاویدان ندارند، اقوامی که از آنها نیرومندتر و سرکش‌تر بودند، همگی از دنیا رفته‌اند؟ آیا این بت‌ها که توان سود یا زیان رسانیدن را حتی برای خود ندارند، چه رسد به اینکه دیگران را یاری کنند، می‌توانند بر اراده خداوند تسلط پیدا کنند؟ (الفرقان/۳)؛ از این رو، کلام وحی با طرح استفهام انکاری در (الانبیاء/۴۴) به دنبال تغییر در پندار شرک‌آلود و الحادگونه است.

ب) نفی نفاق: کلام وحی در آیات متعددی، رفتار منافقان را نکوهش و اندیشه‌های باطل آنها را معرفی کرده و درصدد گسست پندارهای سقیم آنان است. در آیه «أ و لا یروُنَ أَنَّهُمْ یَفْتَنُونَ فِی كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَیْنِ ثُمَّ لَا یَتُوبُونَ وَلَا هُمْ یذکرون» (التوبه/۱۲۶) اگر «أفلا یروُنَ» باشد، خطابی عتاب‌گونه همراه با شماتت به منافقان است و فرمان می‌دهد: چرا منافقان بیمار دل، تفکر نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند؛ با اینکه می‌بینند در هر سال، یک یا دو بار امتحان می‌شوند و در همه، مردود می‌شوند و نمی‌توانند از امتحان الهی سربلند بیرون آیند و ادامه این کفر و نفاق، پلیدی تازه‌ای بر پلیدی‌های آنها افزون می‌کند و سرانجام دچار خسران ابدی می‌شوند. اگر طبق نظر بعضی از قرآ «أولا تروُنَ» باشد، خطاب به پیامبر اسلام (ص) و عموم مؤمنین به منظور هشدار به ایشان و پندگرفتن از رفتار و اعمال

أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن
يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ
(لقمان/۲۰) ملاحظه می‌شود و با توجه به سیاق آیات
سوره لقمان به نظر می‌رسد محتوای این آیه به آیات ۱
تا ۱۱ مربوط بوده و قرآن کریم درصدد تقدیر از
مؤمنان و هدایت گمراهان است. به نظر می‌رسد
خطاب عمومی «أَلَمْ تَرَوْا» که با استفهام تعجبی و
تقریری همراه است (به مفهوم آیا دقت نکردید؟ آیا
ندانستید؟ یا خود را به نادانی می‌زنید؟! برای تنبه و
هشیارکردن عموم مردم به کار رفته است و کلام وحی
با بهره‌گیری از واقعیات هستی که برای عموم مردم
فهم‌پذیر و درک‌شدنی باشد، به پندارشکنی عقاید باطل
مشرکان و معاندان با بیان مستقیم و بدون واسطه
پرداخته است.

همچنین، در آیه «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ
سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا» (نوح/۱۵) و سیاق آن، سخن از
مردمانی است که هم‌عصر حضرت نوح(ع) می‌زیستند
و ویژگی مشترک آنها دوری‌جستن از هدایت الهی
است. آنها برخلاف نشانه‌های روشن و آشکار کلام
وحی، از قبول دعوت خداوند سرباز زده‌اند و به جای
بندگی و خشوع در مقابل عظمت پروردگار، به عبادت
غیر خدا پرداخته‌اند. در این آیات، حضرت نوح(ع) با
عباراتی خطاب به خداوند از خصوصیات رفتاری و
اعتقادی قوم خود شکایت می‌کند. در یکی از این
گفتگوها، عبارت تعجبی و کنایه‌ای «أَلَمْ تَرَوْا» (آیا
نمی‌بینید؟) آمده است که ضمن بیانی صریح و با تأکید
بر حقایقی از خلقت [آنچه فهم‌پذیر و درک‌شدنی و
پذیرفته‌شده آن قوم بوده است؛ مانند اعتقاد به
آسمان‌های هفت‌گانه (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰،

ص ۳۲) یا وقایع واضحی همچون ماه و خورشید و
رویش گیاهان] سعی در پندارشکنی توهم‌های ذهنی و
تغییر رفتار آنها داشته است.

با توجه به آنچه گذشت، مواردی درک‌شدنی است:
۱. با توجه به عبارت «أَلَمْ تَرَوْا» در آیه (لقمان/۲۰)
و مفاهیم حول آن، این نوع پندارشکنی بدون واسطه
بوده و حاوی استفهام تعجبی و تقریری و خطاب به
عموم مردم است؛ بنابراین، «أَلَمْ تَرَوْا» یک آموزش
کاملاً مستقیم است؛ اما در آیه (نوح/۱۵)، با توجه به
این نکته که کلام وحی از زبان حضرت نوح(ع) نقل
قول می‌فرماید، «أَلَمْ تَرَوْا» برای مخاطبان قرآن، خواه
آنان که معاصر نزول بوده‌اند و خواه دیگران،
پندارشکن مستقیم نبوده است؛ از این رو، تنها «أَلَمْ
تَرَوْا» در آیه (لقمان/۲۰) پندارشکنی مستقیم است.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیه (لقمان/۲۰)
شامل دو قسمت است؛ در قسمت نخست که خطاب
به حاضران است «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً
وَبَاطِنَةً» ملایم و آگاه‌کننده بوده است؛ ولی در ادامه،
خطاب از مخاطب به غایب تغییر می‌کند و لحن
سخن، انتقادی می‌شود «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجَادِلُ فِي اللَّهِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ» و در آیه بعد حتی
وعدۀ عذاب داده می‌شود «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ
اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ
يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ». در آیات (نوح/۱۵ تا ۲۰)
نیز آهنگ پندارشکنی، ملایم است و این در حالی
است که در آیه (نوح/۲۱) هنگامی که خطاب از
مخاطب به غایب تغییر کرد، لحن کلام، توبیخی و
مذمت‌گونه می‌شود.

۳. در این دو آیه، با دعوت به تأمل و تأنی در

است. این جمله سؤالی مثبت همراه با کنایه است و می‌فرماید: آیا کسی از اقوام ثمود و عاد را زنده می‌بینی؟ یعنی حتی یک نفر را هم نمی‌توانی زنده ببینی؛ زیرا عذاب الهی تمامی آنان را به دلیل تکذیب قیامت فرا گرفت (الحاقه/۴). اعراب دوران نزول قرآن از علت عذاب قوم عاد و ثمود اطلاع داشتند و می‌دانستند سبب نابودی آنها تکذیب حقایقی بود که پیامبران آنان از جانب خدا آورده بودند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۵۲)؛ از این رو، کلام وحی با واسطه قرار دادن و سؤال از شخص پیامبر اسلام (ص) قصد متنبه و متوجه کردن کافران و منکران قیامت و سعی در تغییر دیدگاه و نگرش منکران رستاخیز داشتند.

بررسی این دو آیه نشان می‌دهد:

۱. «هل تری» و «فهل تری» حاوی استفهام تقریری و خطاب در ظاهر به پیامبر اسلام (ص) هستند؛ ولی در حقیقت روی سخن با عموم مردم بوده و یک آموزش غیرمستقیم است؛ مانند آنکه مطلبی از شخصی که آگاهی کامل دارد، با تأکیدی خاص سؤال شود؛ برای اینکه شخص ثالث که موضوع کاملاً برایش روشن و بدیهی است، متوجه اهمیت آن شود، در آن دقت کند و ملتفت و متنبه شود.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیه (الملک/۳) و آیات همراه آن «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (الملک/۶) و آیات هم‌سیاق آیه (الحاقه/۸) مقتدرانه و شدید است.

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل:

الف) تصریح بر قدرت خداوند در آفرینشی بدون عیب و نقص (الملک/۳).

ب) تأکید بر حقیقت رستاخیز و عظمت قیامت و

قدرت خداوند به واسطه نیک‌نگریستن در خلقت جهان و نعمت‌های ظاهری و باطنی فراوان عالم هستی و آنچه انسان‌ها از آن در حیات خود بهره‌مند می‌شوند، برای جلب توجه مخاطب در راستای تغییر پندار نادرست استفاده شده است؛ بنابراین، در این قالب و حیانی، موضوع بسیار روشن و واضح است و به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز نیست و برای عموم مردم درک‌شدنی است.

۳-۱ ساختارهای «هل تری» و «فهل تری»

ترکیب قرآنی «هل تری» فقط یکبار در آیه «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ» (الملک/۳) استفاده شده (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۳) و حاوی استفهامی تقریری به همراه فعل محذوف «أَنْظُرُ» و خطاب به رسول خدا (ص) است (ابن‌عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۲۳۰) و می‌فرماید: آیا در آسمان‌ها شکافی و اختلالی می‌بینی؟ در واقع با استفاده از تکنیک سؤال از چیزی که وجود ندارد، از باب نفی شیء برای اثبات یا رد موضوعی به همه انسان‌ها غیرمستقیم آموزش می‌دهد و با دعوت به دیدن همراه با تأمل و تفکر زیاد در نظام منسجم و منظم خلقت، در صدد اثبات وجود خداوند دانا و توانا و شکست توهم کفر و شرک برای عموم مردم است.

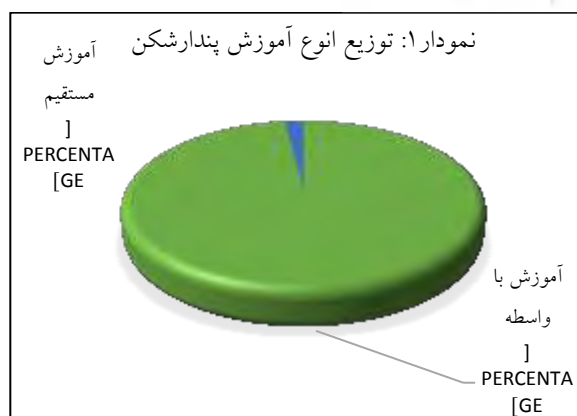
لفظ «فهل تری» نیز فقط در آیه «فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ» (الحاقه/۸) استفاده شده است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۳). «فاء» حرف عطف و «هل» استفهامی تقریری است که تنها در جملات مثبت به کار می‌رود (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۳۶۹) و خطاب سخن با واسطه پیامبر اسلام (ص) به همه مردم

بازخورد اعمال انسان‌ها در آن جایگاه (الملک/۶ تا ۸) پندارشکن «رأی» ارائه شده‌اند؛ سپس با استفاده از و (الحاقه/۱ تا ۳). اطلاعات نموداری برحسب درصد، نتایج آن تحلیل شده‌اند.

۳-۹ تحلیل نتایج آماری

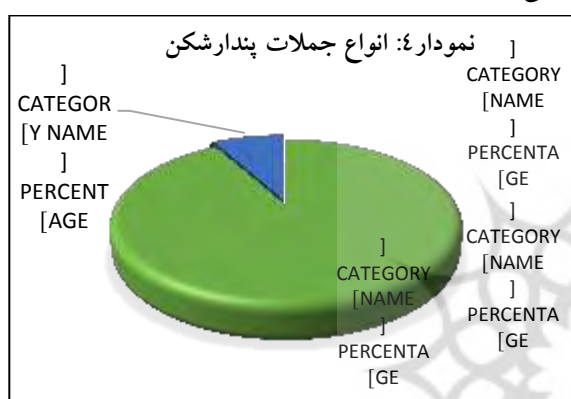
در جدول زیر نتایج آماری آیات حاوی خانواده واژه

ردیف	عنوان لفظ پندارشکن	تعداد آیه	پندارشکنی استغفامی	پندارشکنی خیری	پندارشکنی امری و نهی	پندارشکنی شرطی	روش آموزش غیرمستقیم (با واسطه پیامبراسلام (ص))	روش آموزش غیرمستقیم (با واسطه دیگران)	روش آموزش مستقیم	گفتار مقتدرانه و کنایه‌ای و شدید	گفتار مقتدرانه و ملایم
۱	«أَلَمْ تَرَ»	۳۱	۳۱	۰	۰	۰	۳۱	۰	۰	۲۰	۱۱
۲	«أَرَأَيْتُمْ»	۱۴	۱۴	۰	۰	۰	۱۱	۳	۰	۱۴	۰
۳	«أَوْ لَمْ يَرَوْا»	۱۲	۱۲	۰	۰	۰	۰	۱۲	۰	۱۲	۰
۴	«لَوْ تَرَى»	۷	۰	۰	۰	۷	۷	۰	۰	۷	۰
۵	«أَفَرَأَيْتُمْ»	۷	۷	۰	۰	۰	۶	۰	۱	۷	۰
۶	«أَرَأَيْتَ»	۶	۶	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۶	۰
۷	«أَلَمْ يَرَوْا»	۵	۵	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۵	۰
۸	«أَفَرَأَيْتَ»	۴	۴	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴	۰
۹	«أَلَمْ تَرَوْا»	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲
۱۰	«أَفَلَا يَرَوْنَ»	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰
۱۱	«أَلَمْ يَرِ»	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰
۱۲	«أَرَأَيْتَكُمْ»	۲	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲	۰
۱۳	«هَلْ تَرَى»	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰
۱۴	«فَهَلْ تَرَى»	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰
۱۵	«أَوْ لَا يَرَوْنَ»	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰
۱۶	«لَوْ يَرَى»	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
۱۷	«أَفَلَمْ يَرَوْا»	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰
۱۸	جمع	۹۹	۹۱	۰	۰	۸	۶۹	۲۸	۲	۸۶	۱۳



در این جدول، نسبت مشارکت واژه‌های پندارشکن از ریشه «رأی» به تفکیک درصد مشاهده می‌شود. بیشترین تکرار مربوط به عبارت «أَلَمْ تَرَ» ۳۱٪ و کمترین تکرار مربوط به عبارت‌های «هَلْ تَرَى» و «فَهَلْ تَرَى» و «أَوْ لَا يَرَوْنَ» و «لَوْ يَرَى» و «أَفَلَمْ يَرَوْا» با ۱٪ مشارکت است که این نشان می‌دهد باوجود گستردگی خانواده پندارشکن «رأی» توزیع یکنواختی دیده نمی‌شود.

باورهای سقیم خود و پیروی جاهلانه از عادات گذشتگان خود پافشاری کرده‌اند و قرآن کریم با لحن تهدیدی و شدید درصدد تأثیرگذاری بیشتر و ایجاد تنبه در اذهان آنها است. نمودار ۴ توزیع انواع جملات را در این آیات نشان می‌دهد. تقریباً در تمام موارد، از جملات استفهامی برای بیان مطلب استفاده شده است. در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد رویکرد بیشتر این آیات، گسست توهمات با استفاده از پرسش‌های کنایی - انتقادی است.



نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آیند:

۱. کلام وحی در اکثریت قاطع این آیات (نمودار ۱ و ۲) با استفاده از ساختارهای استفهامی و تعجبی «لَمْ تَرَ» و «أَلَمْ يَرَ» و «أَرَأَيْتَ» و «قُلْ أَرَأَيْتُمْ» و «أَوْلَا يَرَوْنَ» و «أَلَمْ تَرَوْا» در آیه (نوح/۱۵) و «هل تری» و شرطی - تمنایی «لَوْ تَرَى» به صورت گفتگوی غیرمستقیم و با واسطه بیانی پیامبر اسلام (ص) با فراوانی ۷۱٪ و با واسطه دیگران با ۲۹٪ با بشریت ارتباط برقرار کرده و با استفاده از آموزش و تذکر با واسطه، درصدد ایجاد بستری مناسب برای فهم مسئله برای عموم انسان‌ها است و تنها در آیات (لقمان/۲۰) و (النجم/۱۹) پندارشنکی بدون واسطه بوده و حاوی



نمودار ۱ نشان می‌دهد در اکثریت قاطع آیات حاوی خانواده پندارشنکن، واژه «رأی» آموزش تصحیح افکار به صورت غیرمستقیم بوده و قرآن کریم برای برخورد با افکار و باورهای غلطی که در این گروه از آیات نسبت به آن انتقاد کرده، به ندرت از گفتگوی مستقیم استفاده کرده است. همچنین، در نمودار ۲ مشاهده می‌شود بیشتر آیات، مفاهیم پندارشنکی خود را با واسطه بیانی پیامبر اسلام (ص) انتقال داده‌اند.



در نمودار ۳، نوع لحن و گویش و آهنگ کلام به‌کاررفته، در این گروه از آیات و آیات هم‌سیاق آنها ارائه شده است که نشان می‌دهد پندارشنکی در بیشتر موارد دارای گویش انتقادی و توبیخی شدید است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مخاطب گمراه و معاند این آیات که عموماً مشرکان و کافران‌اند، در پندار و

استفهام تعجبی و تقریری و خطاب به عموم انسان‌ها است.

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقدشان در بافتار «أَلَمْ تَرَوْا» در تمام موارد و در «أَلَمْ تَرَ» در بعضی از موارد ملایم و حمایت‌کننده بوده و در تعدادی دیگری از این آیات آهنگ و مفهوم کلام شدید است. پندارشکنی ساختارهای «أَلَمْ يَرِ» و «أَرَأَيْتُمْ» و «أَرَأَيْتَ» و «لَوْ تَرَى» و «لَوْ يَرَى» و «أَوْلَا يَرَوْنَ» و «هَلْ تَرَى» در بیشتر موارد بین یک سیاق نکوهش‌گونه و مذمتی و گاهی همراه با کنایه قرار داشته است و نشان از شدت کلام و سنگینی لحن قرآن در این قالب‌های گسستن تأملات بشری دارد؛ بنابراین، در نگاه کلی، نوع لحن و آهنگ کلام به‌کاررفته در این گروه از آیات در بیشتر موارد (با کثرت ۸۷٪) دارای گویش انتقادی و توبیخی شدید است (نمودار ۳).

۳. دسته‌بندی محتوای این گروه آیات پندارشکن شامل موارد زیر می‌شود:

الف) از ویژگی مشترک آیات حاوی فرم‌های ادبی «أَلَمْ تَرَ»، «أَلَمْ يَرَ»، «أَلَمْ تَرَوْا» و «أَوْلَا يَرَوْنَ» تأکید بر تأمل در قدرت خداوند به‌واسطه نیک‌نگریستن در خلقت جهان، وقایع و داستان‌های تاریخی و رخدادهای زمان نزول وحی است و به نظر می‌رسد کلام وحی در این آیات برای جلب توجه عموم انسان‌ها (با استفاده از دانسته‌های آنها) از روش سؤال منفی از موضوعی برای اثبات وجود آن و در «هَلْ تَرَى» با استفاده از تکنیک سؤال مثبت از چیزی که وجود ندارد، برای رد توهمات یا اثبات حقایقی که برای همگان فهم‌پذیر و درک‌شدنی است، ولی به‌خوبی متوجه آن نیستند، استفاده کرده است.

ب) قرآن کریم در آیات حاوی «أَرَأَيْتَ» و «أَرَأَيْتُمْ»

با استفاده از تکنیک سؤال جواب واضح، با بیانی همراه با شگفتی، اعتقاد ناصحیح منتشرشده فرد یا طایفه‌ای را مطرح می‌کنند و با سؤال مستقیم از پیامبر اسلام (ص) در فرم «أَرَأَيْتَ» یا با واسطه بیانی ایشان در فرم «قُلْ أَرَأَيْتُمْ»، طرح مسئله و سپس بطلان آن پندار را گوشزد می‌کند و سعی در تغییر قالب فکری مخاطب دارد؛ بنابراین، در این دو شکل پندارشکن، برای فهم بهتر و بیشتر موضوع، به تفکر و اندیشه دقیق‌تر نیاز است.

ج) در قالب شرطی - تمنایی «لَوْ تَرَى» کلام وحی با بهره‌گیری از روش شاهدگرفتن رسول خدا (ص) و بیان عکس‌العمل ایشان برای تأیید موضوعی عظیم که درک آن رویداد تصورناپذیر است، به دنبال ایجاد زمینه پذیرش در نهاد مخاطبان است. در اینجا سخن از نوعی دیدن و فهمیدن است که در دنیا کسی غیر از پیامبر اسلام (ص) نمی‌تواند کاملاً آن را درک کند؛ بنابراین، این ترکیب با بیان عظمت و اتفاقات ناملموس رویداد مرگ و قیامت که فراتر از سطح ادراک بشر مادی گراست، به همه مردم به‌ویژه کافران و معاندان عتاب می‌کند و قاطعانه پندارشکنی انجام می‌دهد.

د) با توجه به جدول نتایج آماری و مشارکت اکثریت قاطع ساختارهای «أَلَمْ تَرَ» و «أَلَمْ يَرَ» و «أَرَأَيْتَ» و «أَرَأَيْتُمْ» و «أَلَمْ تَرَوْا» و «أَوْلَا يَرَوْنَ» و «هَلْ تَرَى» در مفاهیم پندارشکن آیات قرآن کریم و استفاده حداکثری از تکنیک پرسش سؤالات چالشی با فراوانی ۹۲٪ (نمودار ۴) که جواب آنها برای هر انسانی واضح است، نشان می‌دهد رویکرد اصلی این گروه از آیات، پندارشکنی با استفاده از مطالبی است که برای مخاطب کلام وحی، بسیار روشن و واضح و لمس‌شدنی است و به آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز

فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. تدوین توسط سناء بزیع شمس الدین، ابراهیم شمس الدین و علی عبدالباری عطیه. ۱۶ جلد. دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون: بیروت.

۱۱- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تدوین توسط بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی. جلد ۵. ایران - قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.

۱۲- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی. تدوین توسط ابی محمد ابن عاشور و نظیر ساعدی. ۱۰ جلد. لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۱۳- حاجی قاسمی، فرزانه و نصراله شاملی. (۱۳۹۵ش). «القب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی بر پایه نظریه معنانشناسی قالبی چارلز فیلمور». دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۶، ۵۷-۸۳.

۱۴- درویش، محی الدین. (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن الکریم و بیانہ. ۱۰ جلد. سوریه - حمص: الارشاد.

۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.

۱۶- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. تدوین توسط عمر عمروی. جلد ۳. لبنان - بیروت: دار الفکر.

۱۷- شرتونی، رشید. (۱۳۸۷ش). مبادئ العربیه. ۴ جلد. قم: انتشارات دارالعلم.

۱۸- شریفی اصفهانی، مهین. (۱۳۸۱ش). «جستاری در خطاب های عتاب‌آمیز خداوند به پیامبر(ص)». مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۲، ۹۹-۱۱۵.

۱۹- شنقیطی، محمد امین. (۱۴۲۷ق). أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن. ۱۰ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۲۰- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن. ۶ جلد.

نیست.

کتابنامه

۱- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تدوین توسط عبد الرزاق مهدی. ۴ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العربی.

۲- ابن خالویه، حسین بن احمد. (۱۴۱۳ق). اعراب القراءات السبع و عللها. ۲ جلد. مصر - قاهره: مکتبه الخانجی.

۳- ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ق). اللباب فی علوم الكتاب. تدوین توسط عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض. ۲۰ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۴- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. تدوین توسط عبدالسلام عبدالشافی محمد. ۶ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۵- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). تدوین توسط محمد حسین شمس الدین. ۹ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

۶- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. تدوین توسط جمال الدین میردامادی. ۱۵ جلد. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

۷- ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم). ۹ جلد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۸- ابوزهره، محمد. (بی تا). زهره التفاسیر. ۱۰ جلد. لبنان - بیروت: دار الفکر.

۹- ابو عبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱ق). مجاز القرآن. تدوین فواد سزگین. ۲ جلد. مصر - قاهره: مکتبه الخانجی.

۱۰- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی

Bibliography

The Holy Qur'an

Abdul Baqi, Mohammad Fawad 1364 AH.

Al-Moajam Al-Mofahras. Cairo: Dar al-Kitab al-Masriya.

Abu al-Saud, Muhammad ibn Muhammad.

1983 AD. *Tafsir Abi Al-Saud*. 9 vols.

Beirut: Dar Al-Ihya' Al-Tarath Al-Arabi.

Abu Ubaydah, Mu'ammam ibn Muthanna.

1381 AH. *Majaz Al-Qur'an*. Edited by

Fouad Sezgin. 2 vols. Egypt-Cairo: Al-Khanji Library.

Abu Zohra, Muhammad . No date. *Zahrt*

Al-Tafsir. 10 vols. Lebanon - Beirut:

Dar al-Fikr.

Alusi, Mahmud bin Abdullah 1415 AH.

Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-

Azeem and al-Saba al-Muthani. Edited

by Sanaa Bazi Shamsuddin, Ibrahim

Shamsuddin and Ali Abdul Bari Atieh.

16 vols. Dar al-Kitab al-Alamiya,

Muhammad Ali Beizun Publications:

Beirut.

Bahrani, Hashem bin Suleiman. 1415 AH.

Al-Borhan fi Tafsire Al-Qur'an.

Compiled by the Besat Foundation,

Islamic Research Unit. Volume 5. Iran-

Qom: Al-Ba'ath Institute, Department of

Islamic Studies.

Darwish, Mohi al-Din. 1415 AH. Earab Al-

Qur'an Al-Karim va Bayanah. 10 vols.

Syria-Homs: Al-Ershad.

Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. 1420

AH. *Al-Tfsire Al-Kabir*. 32 vols.

Lebanon - Beirut: Dar Al-Ihya' Al-

Tarath Al-Arabi.

Farahidi, Khalil bin Ahmad 1409 AH.

Ketab Al-Ain. 9 vols. Qom: Hijrat

Publishing.

Haji Ghasemi, Farzaneh and Nasrallah

Shamli. 1395 Sun. *Semantic forms of the*

verb "RAAYA" in the verses of the Holy

Qur'an and Persian translation (based

on Charles Fillmore's theory of

stereotypes). Quarterly Journal of

Qur'anic and Hadith Translation Studies

6: 57-83.

ایران - تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی*

تفسیر القرآن. ۲۰ جلد. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۲- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر:*

تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). ۶ جلد. اردن - اربد: دار

الکتاب الثقافی.

۲۳- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی*

تفسیر القرآن. تدوین توسط فضل‌الله یزدی طباطبایی. ۱۰

جلد. تهران: ناصر خسرو.

۲۴- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر*

القرآن. تدوین توسط احمد حبیب عاملی. ۱۰ جلد. بیروت:

دار احیاء التراث العربی.

۲۵- عبدالباقی، محمد فواد. (۱۳۶۴ق). *المعجم المفهرس.*

قاهره: دارالکتب المصریه.

۲۶- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*

(مفاتیح الغیب). ۳۲ جلد. لبنان - بیروت: دار احیاء التراث

العربی.

۲۷- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. ۹

جلد. قم: نشر هجرت.

۲۸- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. ۷

جلد. ایران - تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲۹- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). *تفسیر القمی*.

تدوین توسط طیب موسوی جزایری. ۲ جلد. ایران - قم:

دارالکتاب.

۳۰- کلباسی اصفهانی، فهیمه. (۱۳۹۱ش). *سیر برخور*

قرآن با یهود. ایران - قم: شهیدین زین‌الدین.

۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط -*

الإسلامیه). تدوین توسط علی اکبر غفاری و محمد

آخوندی. ۸ جلد. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. ۷ جلد. قم:

دارالکتاب الإسلامی.

- Qomi, Ali Ibn Ibrahim. 1363 Sun. *Tafsir al-Qomi*. Edited by Tayeb Mousavi Jazayeri. 2 vols. Iran - Qom: Dar al-Kitab.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1412AH. *Al-Mofradat fi Qaribe Al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya.
- Samarkandi, Nasr bin Muhammad. 1416 AH. *Tafsir al-Samarkandi Al-Mosama Bhro Al-Olom*. Edited by Omar Amravi. Volume 3. Lebanon - Beirut: Dar al-Fikr.
- Shanqiti, Mohammad Amin 1427 AH. *Azvae Al-Bayan fi ezahe Al-Qur'an be Al-Qur'an*. 10 vols. Lebanon-Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.
- Shertoni, Rashid. 1387 Sun. *Mabadi Al-Arabia*. 4 vols. Qom: Dar Al-Alam Publications.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad. 2008 AD. *Tafsir Al-Kabir: Tafsir Al-Qur'an Al-Azim (Al-Tabrani)*. 6 vols. Jordan - Arbod: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1372 Sun. *Majmao Al-Bayan fi tafsire Al-Qur'an*. Edited by Fazlullah Yazdi Tabatabai. 10 vols. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH. *Al-Mizan fi Tfsire Al-Qur'an*. 20 vols. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Taleghani, Mahmoud 1362 Sun. *Partovi az Qur'an*. 6 vols. Iran - Tehran: Anteshar Joint Stock Company.
- Thalabi, Ahmad bin Muhammad 1422 AH. *Al-Kashf va Al-Bayane Al-Marouf Tafsir al-Thalabi*. Edited by Abi Muhammad Ibn Ashour and Nazir Saedi. 10 vols. Lebanon - Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan No date. *Al-tebyan fi Tafsire Al-Qur'an*. Edited by Ahmad Habib Ameli. 10 vols. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
- Ibn Adil, Umar ibn Ali. 1419AH. *Al-Labab fi Olome Al-Ketab*. Edited by Adel Ahmad Abdulmojud and Ali Mohammad Moawad. 20 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.
- Ibn Atiyah, Abdul Haq Ibn Ghalib 1422 AH. *Al-Muharram Al-Wajiz fi Tafsire Al-Ketab Al-Aziz*. Edited by Abdul Salam Abdul Shafi Mohammad. 6 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.
- Ibn Jawzi, Abi Al-Faraj Abdul Rahman Ibn Ali. 1422 AH. *Zad Al-Masir fi Elme Al-Tafsir*. Edited by Abdul Razzaq Mahdi. 4 vols. Lebanon-Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar. 1419 AH. *Tafsire Al-Qur'an Al-Azim (Ibn Kathir)*. Edited by Mohammad Hussein Shamsuddin. 9 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun
- Ibn Khalawiyah, Husayn ibn Ahmad 1413 AH. *Erab Al-Qeraate Al-Saba va Elaleha*. 2 vols. Egypt-Cairo: Al-Khanji Library.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH. *Lesan Al-Arab*. Edited by Jamaluddin Mirdamadi. 15 vols. Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution.
- Kalbasi Esfahani, Fahimeh. 1391 Sun. *The course of the Qur'an's treatment of the Jews*. Iran - Qom: Shahidin Al-Zainuddin.
- Klini, Muhammad ibn Ya`qub 1407 AH. *Al-kafi (I- Islamic)*. Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhoondi. 8 Volumes. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Mughniyeh, Mohammad Javad 1424 AH. *Al-Tafsire Al-Kashef*. 7 Volumes. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Qarshi Bonabi, Ali Akbar. 1371 Sun. *Qamose Qur'an*. 7 vols. Iran - Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی